

گفت و گو با قربانعلی طاهر فر کارگردان فیلم آپاراتچی

یک کمدی - درام در بستر دهه ۹۰

شقایق عرفی نژاد

«التفات، بتونه می زند... التفات دستتیار کارگردان است... بایرام سمیاده می کشد... بایرام فیلمبردار است... شهپاز آستری می زند... شهپاز باز یگر است... ایوب سقفر رنگ می زند... ایوب مدیر تولید است... جلیل، اما رنگ نهایی را می زند... وسواس دارد و هر دیوار را باید سه بار رنگ بزند... چرا؟ چون جلیل کارگردان است... حالا این جماعت می خواهند نخستین فیلم بلندشان را بسازند... اما حیدر، پدر جلیل نمی خواهد پسرش در منجلاب سینما فرو

آپاراتچی فیلم اول شما نیست. شما سال ۹۶ «ترمینال غرب» را ساختید و بعد از آن هم چند فیلم بلند دیگر کار کرده اید. چرا این فیلم در بخش نگاه نو و فیلم های اول حضور دارد؟

انتخاب بخشی که فیلم در آن شرکت می کند، دست ما نیست. ما فیلم را برای جشنواره فرستاده ایم و مسئولان جشنواره تصمیم گرفته اند فیلم در بخش نگاه نو شرکت داده شود. من در مصاحبه های قبلی حرفی از این موضوع نمی زدم و منتظر بودم فیلم های دیگر را ببینم و بعد قضاوت کنم. ولی از همان اول هم عقیده داشتم بعد از ۴۲ دوره برگزاری، انتظار زیادی نیست که جشنواره در گیر مناسبات و ملاحظات نباشد. ما نمی توانیم به خاطر مصلحت سر حقیقت را ببریم. من اصلاً راجع به فیلم خودم حرف نمی زدم و بدون در نظر گرفتن آن صحبت می کنم. با هر خط کش و معیار فنی و محتوایی و ساختاری، دلیل وجود بعضی از فیلم ها در بخش سودای سیمرغ و نبود بعضی از فیلم ها در این بخش را متوجه نمی شوم. با توجه به نظرات منتقدین، آپاراتچی حتماً باید در بخش سودای سیمرغ شرکت می کرد.

به غیر از این طبق قوانین جشنواره کارگردانی در بخش نگاه نو باید حضور داشته باشند که نخستین فیلم شان را ساخته اند و در جشنواره شرکت کرده اند. در مورد شما اما اینطور نیست. از این نظر باید بگویم طبق قوانین نخستین فیلم شما فیلمی محسوب می شود که پروانه نمایش داشته باشد. من قبل از این ۴ تله فیلم و فیلم سینمایی ترمینال غرب را ساختم که موفق به دریافت پروانه نمایش نشد. من دو بار برای دریافت پروانه نمایش اقدام کردم، اما موفق نشدم. به همین دلیل آپاراتچی رسماً نخستین فیلم من محسوب می شود.

ولی ترمینال غرب در جشنواره عمار شرکت کرده بوده و جایزه هم گرفته بوده است. چطور پروانه نمایش نداشته است؟

بله، ولی نمی دانم چه اتفاقی افتاده که فیلم پروانه نمایش نگرفت. با وجود این و با قبول قانون جشنواره که فیلمی که پروانه نمایش نداشته باشد، در کارنامه کارگردان به حساب نمی آید، قبول می کنم که بعد از ۳۰ سال فیلمسازی، آپاراتچی نخستین فیلم من است. مشکلی نیست. ولی ۳ فیلم از بخش نگاه نو در بخش سودای سیمرغ هم حضور دارند. من دوست دارم این سه فیلم بررسی و مشخص شود با چه معیاری به بخش مسابقه راه پیدا کرده اند که فیلم ما این معیارها را نداشته است. نمی شود که همه چیزمان را فدا کنیم تا فیلم استاندارد بسازیم که در بخش اصلی حضور داشته باشد، اما پشت دیوار مناسبات و ملاحظات گیر کند. این عدالت نیست. حرف من هم به خاطر عوامل فیلم است، نه به خاطر خودم. این حق آنها نبود.

در باره فیلم صحبت کنیم. فیلم درباره سینما و عشق به سینماست. این عشق به سینما برای شما چه مفهومی دارد؟

اصلاً همین واژه آپارات نوستالژیک است. مگر سینماگری داریم که صدای آپارات برایش خاطر هانگیز نباشد؟ به نظر من صدای آپارات برای یک سینماگر مثل صدای قطره های باران است

رود...» این چند خط آن چیزی است که در معرفی فیلم «آپاراتچی» نوشته شده است. فیلم که اقتباسی از رمان آپاراتچی نوشته روح الله رشیدی است، درباره چند نقاش ساختمان عشق سینماست که در تبریز دهه ۶۰ و ۷۰ در شرایط جنگ تصمیم می گیرند فیلم بسازند. قربانعلی طاهر فر که خودش تبریزی است، پیش از این چند سریال و فیلم تلویزیونی و سینمایی ساخته است. آپاراتچی اما به عنوان نخستین فیلم سازنده اش در بخش نگاه نو جشنواره حضور دارد؛ موضوعی که رنجش او را به دنبال داشته است. طاهر فر در این گفت و گو از این رنجش و از ساخت فیلمی درباره سینما صحبت کرده است:

برای یک عاشق دلباخته. در سینمای جهان هم خاطره و نوستالژی آپارات وجود دارد. از سینما پارادیوی جوزپه تورناتوره بگیرد تا شیفته دوربین کیشلوفسکی. من سراغ عشق به سینما رفتم با موضوعی که در شهر خودم تبریز اتفاق افتاده است. در دل این عشق به سینما، نوستالژی و فرهنگ عامه دهه ۶۰ را هم در فیلم داریم؛ دهه ای که در آن مردم اصیل و خالص بودند. از این منظر به جنگ و شهادت و ترور هم پرداخته ایم.

فیلم اقتباسی از رمان آپاراتچی است. از روند این اقتباس بگوید. آیا فیلم یک اقتباس کامل و وفادارانه به رمان است؟

نه. فیلم بانگه ای به این رمان ساخته شده است. ما به شخصیت ها و اتفاقاتی که برای شخصیت رمان به اسم جلیل می افتد، وفادار بوده ایم، اما بعد دیگر همه چیز سهم تخیل نویسندگان فیلمنامه است. در رمان با یک سری اتفاقات پرانگیز و خرده روایات روبه رو هستیم که دراماتورژی آن به عهده احسان لطفیان و حسین تراب نژاد بوده که نزدیک به ۱۰ بار فیلمنامه را بازنویسی کردند چون باید محملی برای روایت داستان ها فراهم می شد تا سراغ اتفاقاتی مثل نماز جمعه و ترور و اعزام به جبهه نزدیک شویم. این کار به دلیل موضع گیری های نسل جدید کار خیلی سختی بود. اما با ایجاد شوخی ها و لحظه های شیرین توانستیم یادآور آن دوران و مردمش باشیم. دکتر رشیدی، نویسنده رمان، به نظر من صاحب یک هنر مردمی است که بر خاسته از مردم است. بدون تکیه به نهادهای دولتی و سازمانی توانستیم این رمان را تبدیل به فیلم کنیم.

مرحله پیدا کردن تهیه کننده و سرمایه گذار چطور پیش رفت؟

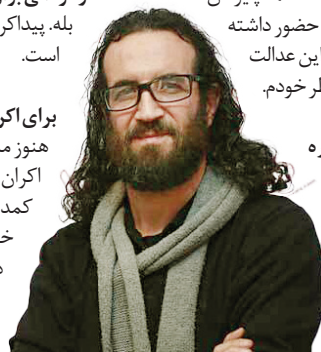
لازم است اینجا از یک نفر به اسم مسعود ملکی مشهور، مجری طرح فیلم، اسم ببرم که هم در حوزه تاریخ شفاهی دفتر مطالعات جبهه فرهنگی انقلاب اسلامی برای انتشار کتاب حضور داشت و هم از زمانی که قرار بر اقتباس از این کتاب برای ساخت فیلم شد، همراه مرحله نگارش فیلمنامه شد و تا همین لحظه هم در کنارمان است. بعد از اینکه این فیلمنامه نوشته شد، آقای ملکی اصرار داشت فیلم توسط یک فیلمساز بومی ساخته شود. با توجه به اینکه من تجربه ترمینال غرب را با این دفتر داشتم، دعوت شدم و جلسات متعددی داشتیم و فیلمنامه را خواندیم.

در واقع شما دنبال تهیه کننده نبودید، آنها دنبال کارگردانی برای کارشان بودند.

بله. پیدا کردن کارگردان و تهیه کننده بر عهده مجری طرح بوده است.

اکران عمومی فیلم چطور خواهد بود؟ برنامه ای برای اکران دارید؟

هنوز مشخص نیست. البته همه دنبال زمان مناسب برای اکران هستند و ما هم همینطور. با توجه به اینکه فیلم یک کمدی درام در بستر دهه ۶۰ است، فکر می کنم مخاطب خودش را پیدا می کند. باز خوردهایی هم که از مخاطبان داشته ایم، راضی سالن را ترک کرده اند. امیدواریم بر خلاف جشنواره که درگیر مناسبات شدیم، برای اکران این اتفاق نیفتد.



نگاه

قهرمانی که سیاهی را بر نمی تابد

هلایا نصیری

«آبی روشن» دومین ساخته سینمایی بابک خواجه پاشا بعد از فیلم موفق «در آغوش درخت» است که سال گذشته در جشنواره فیلم فجر حضور داشت.

خواجه پاشا در دومین فیلم خود باز هم سراغ موضوع خانواده و این بار با تم متفاوتی رفته است تا ثابت کند دغدغه های اجتماعی، آن هم از جنس توجه به بنیان خانواده برای او در ژانر درام دست کم تا این برهه از فیلمسازی اش بر جسته تر است.

مهران احمدی در نقش حاج یونس اگر چه قهرمان «آبی روشن» است، اما همچون قهرمانان فیلم های باور پذیر و نمونه های ملموس آن بی خطا و سفید ظاهر نمی شود. او در ادامه با زنی همراه می شود که به دنبال همسر فراری و متهم خود است.

شاید مهم ترین نقطه از زندگی قهرمان قصه نسبت به دیگر نقش ها، رازی است که با خود به همراه دارد؛ رازی که افشای آن علاوه بر ویژگی اخلاقی مداری یونس، دلیل همراهی بیس از حد او در کمک به ستاره (سارا حاتمی) برای رسیدن به همسر خود را توجیه می کند.

همین ماجراجویی بخش مهمی از فیلم را به فضای فیلم های جاده ای می کشاند و ریتم قصه را تا حدی تندتر می کند. یونس، قهرمانی است که از هیچ کار خیری فرومنی گذارد و همین ماجرا باعث شده تا در مقطعی از داستان رفتارهای اخلاقی او گل درشت به نظر بیاید، اما با توجه دینداری در کارا کترهای دیگر قصه «آبی روشن» به خوبی متناسب با ویژگی هایشان مطرح شده است. بدین ترتیب که هر شخصیت با هر ویژگی و بک گراندی به نحوی با معنویات گره خورده است.



«آبی روشن» چنانچه

تا همین جای کار از جنس سینمای کارگردانش برمی آید، فیلمی معناگرا و توانمند قصه گو است و به جهت فیلمنامه داری ظریف و جزئیات مینیمالیستی سینمای اخلاقی مدار است و معناگرایی آن عمدتاً در المان ها و نمادهایی تعریف می شود که جای جای اثر به ویژه در توصیف حلقه اتصال کاراکترها با اعتقادات و باورهای مذهبی شان جاگذاری شده است. شاید سراغ این مولفه را بتوان در ممزوج کردن خرده داستان هایی گرفت که به ظاهر بی ربط به یکدیگر به نظر می رسیدند، اما تلاقی شان فضای لطیف و معناگرایی را به «آبی روشن» بخشیده است. با این حال «آبی روشن» فیلمی ساده با اشاراتی نغز و سوبه هایی اخلاقی و دین گرا به باورها و اعتقادات ماست. جغرافیای به منطقه زیبای خلخال، نیشابور و... و مسیری پرکشش به لحاظ بصری در فضای همراهی حاج یونس با ستاره، زنی که در پی همسر خود است، برمی گردد.



روزنامه چهل و دومین جشنواره بین المللی فیلم فجر

42nd FAJR INTERNATIONAL FILM FESTIVAL
دوشنبه ۱۶ بهمن ۱۴۰۲ شماره ۵۵